

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

بنام خدا
قواعد درس 1 عربی یازدهم
موضوع: اسم تفضیل و اسم مکان

اسم تفضیل

تعریف اسم تفضیل: اسمی است که برای مقایسه کردن یک صفت و ویژگی بکار می رود و برتری کسی یا چیزی را بر کسی یا چیزی دیگر می رساند و نشان می دهد.

تعریفی دیگر از اسم تفضیل: هرگاه بخواهیم کم تر بودن یا زیاده تر بودن صفتی را در کسی یا چیزی نسبت به دیگران مقایسه کنیم از اسم تفضیل استفاده می کنیم.

مثال: عَلِيٌّ أَعْلَمُ مِنْ حَسَنِ ← علی از حسن داناتر است.

أَسِيَا أَكْبَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ ← آسیا بزرگترین قاره دنیا است.

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

دوست داشتنی ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آنها برای بندگان است.

أُرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. ← من ارزان تر از این می خواهم.



توجه: اسم تفضیل در زبان عربی بر دو وزن زیر می آید

1: وزن **أَفْعَل** {برای مذکر} ← اکبر، أصغر، أفضل، أحمد، أشجع، أكرم

2: وزن **فُعَلِي** {برای مؤنث} ← کبری، صغری، فضلی

{أول، أولى} {أدنى، دنيا} {أسفل، سفلی} {أعلى، علیا}

نکته 1: اسم تفضیل گاهی بر وزن {أَفَل} می آید.

مثال: ← أقل، أصح، أشد، أحب، أهم، أخص

ترجمه ← {کمتر، کمترین} {صحیح تر، صحیح ترین}

این کلمات در اصل {أقل، أصح، أشد، أحب، أهم، أخص} بوده اند ولی چون دو حرفشان تکراری است یکی را حذف و تشدید می گذاریم.

نکته 2: اسم تفضیل گاهی بر وزن {أَفْعِي} می آید.

مثال: ← أخفی، أقوی، أعلى، أغلی، أتقی

ترجمه ← {پنهان تر، پنهان ترین} {گرانتر، گران ترین}

توجه کرونایی: در مبحث ترجمه اسم تفضیلها اشاره خواهیم کرد که

اسم تفضیل چه زمانی {تر} یا {ترین} می گیرند.

نکته 1: گاهی بعضی از اسمهای تفضیل مذکر دارای وزن مؤنث نیستند

مثال: ← أَحْمَد ، أَكْرَم ، أَشْجَع

نکته 2: اگر کلماتی بر وزن **أَفْعَل** باشند اما بر رنگ و عیب دلالت کنند

دیگر اسم تفضیل به حساب نمی آیند و **صفت** خواهند بود.

مثال: ← أَحْمَر {سرخ} ، أَحْمَق {نادان} ، أَبْکَم {لال} ، أَصْفَر {زرد}

توجه توجه: مؤنث این کلماتی که بر وزن **أَفْعَل** هستند و معنی رنگ و

عیب می دهند بر وزن **فُعْلَى** نمی آیند بلکه بر وزن **فَعْلَاء** می آیند.

مهم ترین عیب هاعبارتند از 📌📌

{ أَبْکَم ، بَکْمَاء . لال } _ { أَخْرَس ، خَرَسَاء . گنگ }

{ أَعْوَج ، عَوْجَاء . کج } _ { أَحْمَق ، حَمَقَاء . نادان }

{ أَصَمَّ ، صَمَاء . کر } _ { أَحْوَل ، حَوْلَاء . لوچ }

{ أَعْمَى ، عَمِيَاء . کور } _ { أَبْلَه ، بَلْهَاء . سفیه }

مهم ترین رنگ ها عبارتند از ﴿﴾ ﴿﴾

{ اَسْوَد ، سَوْدَاء . سیاه } _ { اَخْضَر ، خَضْرَاء . سبز }
{ اَبْيَض ، بَيْضَاء . سفید } _ { اَحْمَر ، حَمْرَاء . قرمز }
{ اَزْرَق ، زَرْقَاء . آبی } _ { اَصْفَر ، صَفْرَاء . زرد }

﴿﴾ چگونه ترجمه اسم تفضیل به فارسی ﴿﴾

● اسم تفضیل در زبان عربی معادل { صفت تفضیلی _ صفت برتر } و { صفت عالی _ صفت برترین } در زبان فارسی است.

ترجمه به صورت صفت تفضیلی : هر گاه بعد از اسم تفضیل { حرف جرّ مِنْ } بیاید آن اسم تفضیل به صورت { صفت تفضیلی } در فارسی ترجمه می گردد و علامت { تر } می گیرد.

مثال ← اَنْتَ اَفْضَلُ مِنْ وَحِيدٍ : تو برتر از وحید هستی.

مثال ← جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ اَعْلَى مِنْ جَبَلِ طَرْغِه

ترجمه ← کوه دماوند بلند تر از کوه طرغه است.

دقت کنید اسم تفضیلها همراه { حرف جرّ مِنْ } آمده اند.

ترجمه به صورت صفت عالی: هرگاه بعد از اسم تفضیل { حرف جرّ } نیامده باشد و یا به عبارتی دیگر اگر اسم تفضیل { مضاف باشد } یعنی به اسم بعد از خود اضافه شده باشد و دارای مضاف الیه باشد آن اسم تفضیل به صورت { صفت عالی } در فارسی ترجمه می گردد. و علامت { ترین } می گیرد.

مثال ← أنت أشجع التلاميذ : تو شجاع ترین دانش آموزان هستی.

مثال ← الكسب الحلال من أفضل الأعمال

ترجمه ← بدست آوردن روزی حلال از بهترین کارها است.

دقت کنید اسم تفضیلها همراه { حرف جرّ من } نیامده اند.



روش جمع بستن اسم تفضیل

هرگاه اسم های تفضیلی را که بر وزن { أفعال } هستند بخواهیم به صورت جمع بیاوریم معمولاً بر وزن { أفاعِل } جمع بسته می شوند.

أكبر ← أكابر أعظم ← أعاظم أفضل ← أفاضل

نکته: البته اگر جمع مکسر بر وزن { **أَفَاعِلٍ** } باشد ولی بر برتری دلالت نکند، دیگر آن اسم جمع، اسم تفضیل نیست، و باید به مفرد آن دقت کنیم و ببینیم آیا معنی برتری را می رساند یا خیر.

مثال: ← { **أَصَابِعٍ** - انگشتان } که مفرد آن { **أَصْبَعٍ** : انگشت } است و چون { **أَصْبَعٍ** : انگشت } معنی برتری ندارد پس اسم تفضیل نیست.

مثال: ← { **أَمَاكِنٍ** - مکانها } که مفرد آن { **أَمْكَنٍ** : مکان } است و چون { **أَمْكَنٍ** : مکان } معنی برتری ندارد پس اسم تفضیل نیست.

مثال: ← { **أَوَامِرٍ** - فرمانها } { **أَسَاوِرٍ** - دستبند ها } چون مفرد آنها { **أَمْرٍ** و **سِوَارٍ** } است و معنی برتری ندارند پس اسم تفضیل نیستند.

● اسم تفضیل مؤنث به صورت **جمع مؤنث سالم** جمع بسته می شود و بر وزن { **فُعَلِيَّاتٍ** } می آید.

مثال ← { **كُبْرَى** ← **كُبْرِيَّاتٍ** } { **صُغْرَى** ← **صُغْرِيَّاتٍ** }
{ **فُضْلَى** ← **فُضْلِيَّاتٍ** }

نکات مهم درباره اسم تفضیل

نکته 1: اسم تفضیلهایی که بر وزن { **أَفْعَى** } هستند، اگر به یک ضمیر متصل شوند الف کوتاه آخرشان به صورت کشیده { **ا** } نوشته می شود یعنی به شکل { **أَفْعَا** }

مثال ← **أَتَقَى** + **كُمُ** ← **أَتَقَاكُمْ**

نکته 2: اگر اسم تفضیل { **نکره باشد** _ دارای ال نباشد } برای مفرد، مثنی ، جمع، مذکر و مؤنث به شکل یکسان { **أَفْعَل** } به کار می رود و تغییر نمی کند.

مثال ← { **هُوَ أَفْضَلُ** } { **هِيَ أَفْضَلُ** } { **بِزِينَةٍ أَفْضَلُ** }
/ ← { **نَحْنُ أَفْضَلُ** } { **أَنَا أَفْضَلُ** }

نکته 3: برای مقایسه کردن میان دو اسم مؤنث از اسم تفضیل { **فُعْلَى** } که مؤنث است استفاده نمی کنیم و از اسم تفضیل مذکر استفاده می کنیم و آن را بر وزن { **أَفْعَل** } می آوریم.

مثال ← **مَرِيْمٌ أَعْلَمُ مِنْ فَاطِمَةَ**

مثال ← **هَذِهِ الشَّجَرَةُ أَطْوَلُ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ**

نکته 4: اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفتِ یک اسمِ مونث به کار ببریم، در این حالت غالباً اسم تفضیل بر وزن { **فُعْلَى** } می آید.

مثال ← **فَاطِمَةُ الْكُبْرَى** **التَّمِيذَةُ الْفُضْلَى**



کاربردهای وزن أَفْعَلُ در زبان عربی

توجه: وزن **أَفْعَلُ** در زبان عربی دارای کاربردهای زیر است.

1: به عنوان اسم تفضیل:

زَمِيلُكَ أَحْسَنُ الطُّلَابِ: همکلاسی تو بهترین دانش آموزان است

2: برای دلالت بر رنگ ها:

أَخْضَرُ: سبز أَبْيَضُ: سفید أَحْمَرُ: قرمز

3: برای دلالت بر عیب ها:

أَحْمَقُ: نادان أَبْلَه: سفیه أَعْوَجُ: کج أَبْكَمُ: گنگ

4: به عنوان مضارعِ اولِ شخصِ مفرد:

أنا أَحْسَنُ النَّاسِ: من به مردم نیکی می کنم.

5: به عنوانِ ماضی سوم شخصِ مفرد مذکر در بابِ افعال

هو أَحْسَنَ النَّاسِ: او به مردم نیکی کرد.

تفاوت دو کلمه آخر و آخر

آخر ← در اصل أَخْرُ بوده بر وزن أَفْعَل ترجمه ← دیگر
آخر {اسم تفضیل است} مؤنث آن ← أُخْرَى {بر وزن فُعْلَى}
جمع آن ← أَخْرُونَ، أَخْرِينَ، أَخْرِيَات

أخِر ← بر وزن فاعِل ترجمه ← پایان
أخِر {اسم فاعِل است} مؤنث آن ← أَخْرَةَ
جمع آن ← أَخْرُونَ، أَخْرِينَ

درباره دو کلمه خیر و شرّ

دو کلمه خیر و شرّ:

الف: اگر این دو کلمه به معنی { **خوبتر و بدتر** } باشند اسم تفضیل به حساب می آیند و در این صورت بعد از آنها { **حرف جرّ مِنْ** } می آید.

مثال ← **الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ** : علم **خوبتر** از مال است.

ب: اگر این دو کلمه به معنی { **بهترین و بدترین** } باشند اسم تفضیل به حساب می آیند و در این صورت بعد از آنها { **مضاف الیه** } می آید.

مثال ← **خَيْرُ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ**

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند.

ج: اگر این دو کلمه به معنی { **خوب و خوبی** } و { **بد و بدی** } باشند

اسم تفضیل به حساب نمی آیند.

مثال ← **الْعَمَلُ الْخَيْرُ يَنْفَعُكَ** : کار خوب به تو سود می رساند.

مثال ← **فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ**

ترجمه ← هر کس ذره ای کار خوب انجام دهد آن را می بیند و هر

کس ذره ای کار **بد** انجام دهد آن را می بیند.

اسم مکان

تعریف اسم مکان : اسم مکان اسمی است که بر یک مکان دلالت می کند و مکان وقوع و انجام دادن فعل را نشان می دهد.

مثال ← {مَطْبَخ. آشپزخانه} ← مکان فعل طَبَخ. پختن

مثال ← {مَطْبَعَة. چاپ خانه} ← مکان فعل طَبَع. چاپ کردن

مثال ← {مَعْبَد. عبادتگاه} ← مکان فعل عَبَد. عبادت کردن

وزنهای اسم مکان

اسم مکان در عربی دارای سه وزن زیر می باشد

1. مَفْعَل : {مَسْکِن : محل سکونت} {مَعْبَد : عبادتگاه} {مَصْنَع : کارخانه} {مَلْعَب : ورزشگاه} {مَشْهَد : منظره}

2. مَفْعَل : {مَغْرِب : مکان غروب} {مَسْجِد : مسجد} {مَحْفَل : انجمن} {مَشْرِق : مکان طلوع} {مَنْزِل : خانه}

3. مَفْعَلَة : {مَدْرَسَة : مدرسه} {مَكْتَبَة : کتابخانه} {مَزْرَعَة : کارخانه} {مَطْبَعَة : چاپ خانه}

اسم مکان گاهی بر وزن {مَفال - مَفَلّ - مَفَعی} می آید.

مثال ← {مزار: زیارتگاه} {مقرّ: قرارگاه} {مقهی: قهوه خانه}

{مطار: فرودگاه} {محلّ: جا و مکان} {ماوی: پناهگاه}

نکته بسیار مهم: جمع اسم مکان بر وزن {مَفَاعِل} می آید.

مثال ← {معبّد. معابد} {مزرعة: مزارع} {مشهد: مشاهد}

{مدرسة: مدارس} {مجلس: مجالس} {محفّل: محافل}

نکته کنکوری: یک کلمه برای اینکه اسم مکان در نظر گرفته شود باید همزمان دارای دو ویژگی باشد.

1: کلمه مورد نظر باید بر یکی از وزنهای اسم مکان باشد.

2: کلمه مورد نظر باید بر معنای اسم مکان دلالت داشته باشد.

مثال ← تمام مثالهایی که در بالا ذکر شده اند اسم مکانند.

هشدار: پس اگر کلمه ای همزمان دارای این دو شرط نباشد دیگر اسم مکان به حساب نمی آید.

مثال ← {بیت: خانه} {صیدلیّة: داروخانه} {کَهْف: غار}

{جامعه: دانشگاه} {مکارم: بزرگواریها} {مفاخر: بزرگان}

{مصالح: دوراندیشی ها} {مشاکل: مشکلات} {موانع}

توجه کنید این کلمات هیچکدام از دو شرط اسم مکان بودن را با هم ندارند پس با داشتن یک شرط اسم مکان به حساب نمی آیند.



بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>